



انجمن هیولاها



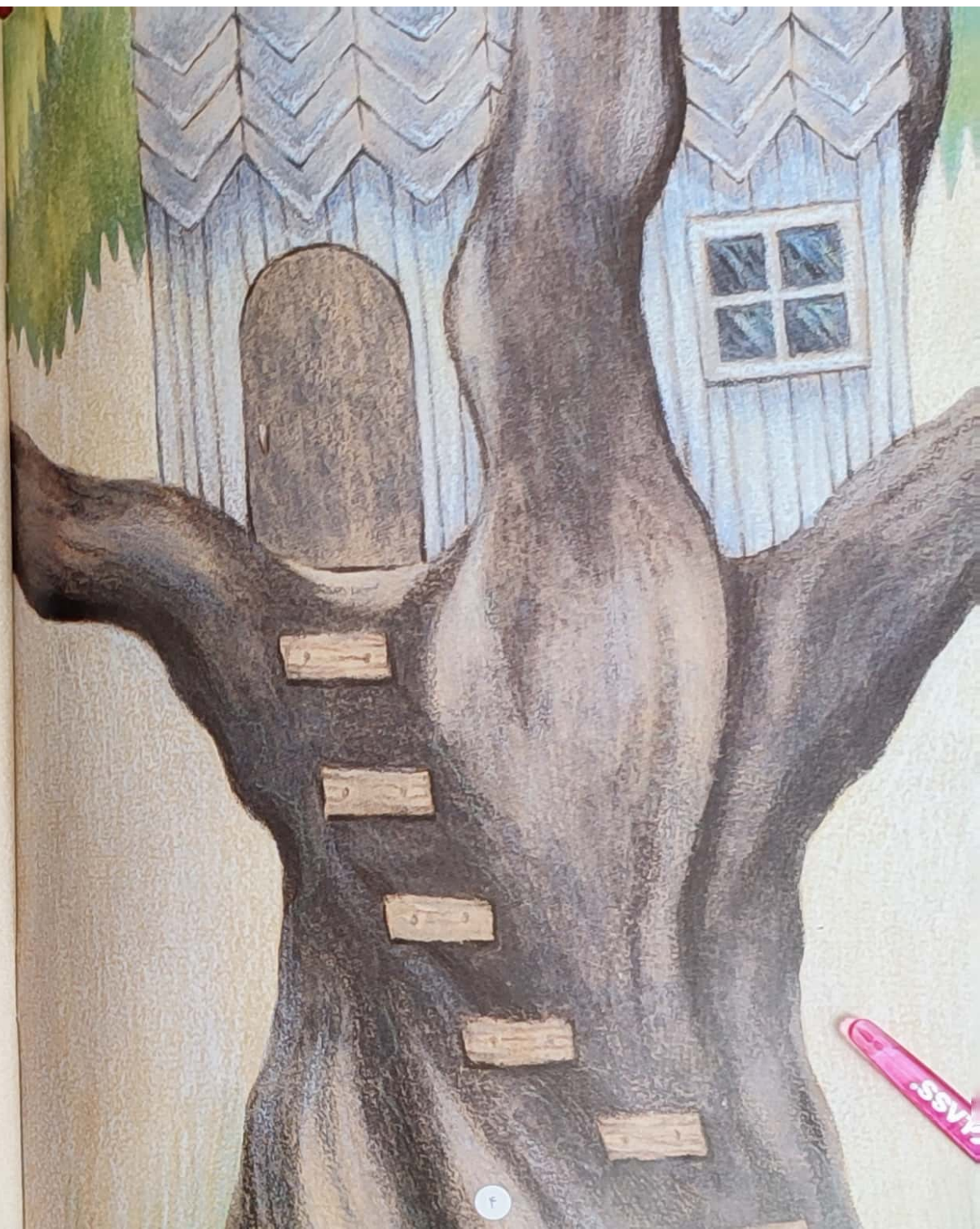
گراب بیشتر از هر چیزی در دنیا دوست داشت که به انجمن هیولاها ملحق شود. بنابراین رفت تا با برادرش اسپاتس که رئیس انجمن بود، صحبت کند.



باشد گراب، فقط
به این شرط که
بقیه اعضای
انجمن هم
موافقت کنند.

خواهش می‌کنم
اسپاتس،
خواهش می‌کنم!

البته یک نفر دیگر هم
هست که می‌خواهد
عضو گروه شود.
بیا برویم دیدنش.



برای حق عضویت!

هر هفته همه‌ی اعضا به انجمن
هیولاها حق عضویت پرداخت
می‌کنند. ما از این پول برای
اجرای برنامه‌هایمان استفاده
می‌کنیم.

گراب
امیدوارم برای جلسه‌ی فردا یک
مقدار پول داشته باشی.

پول برای چی؟



اما من همه‌ی پول توجیبی‌هایم را خرج کرده‌ام.
می‌توانم پول حق عضویت را از تو قرض بگیرم؟

فقط به این شرط که بعداً پولم را پس بدهی.

اوه

شاید خودت
بتوانی پول درآوری.



سلام اسپاتس

سلام سارا.
این برادرم گراب است.

خخخخووووورrrrrrr!

بس کن گراب! بیخشید سارا،
او جلوی غریبه‌ها غرغرش می‌کند.



می توانی آکواریوم ماهی ها را تمیز کنی.

یا قفس پرنده ها را

چطوری؟

می توانی لاک پشت
هیولایی آقای اسمیت را
بیری پیاده روی.



می توانی یک کار
خدماتی انجام
بدهی؛ مثلاً برگ ها
را جمع کنی.

یا می توانی یک
چیزی بفروشی، البته
نه آن ساندویچ های
بدمزه ات را.

آره خودش! ساندویچ
مربا و خیارشور می فروشم
با آب شلغم، تا راحت تر
قورت داده شود!

اوه!



نه، ممنونم!

خیلی ممنون.
نوش جان!

فروشی
ساندویچ مربا و خیارشور با آب شلغم



روز بعد، سارا و گراب با اعضای دیگر انجمن ملاقات کردند.

سلام به همگی! همه‌ی شما
برادرم گراب را می‌شناسید و
اسم ایشان هم سارا است.

آنها می‌خواهند عضو انجمن هیولاها بشوند. در
پایان جلسه درباره‌ی اینکه آیا آنها اجازه دارند
عضو انجمن شوند یا نه رأی می‌گیریم.

امیدوارم با هیولا نبودن
من مشکلی نداشته باشید.

من محض احتیاط حق
عضویت را هم آورده‌ام.
خودم تمام ساندویچ‌های
مربا و خیارشورم را فروختم.

می‌توانیم این
مشکل را حل کنیم!

من می‌توانم با یک رنگ
بنفش درست و حسابی
صورتت را رنگ کنم.

من هم می‌توانم داروی
تقویت رشد موهایم را
قرض بدهم.

نه نه خیلی ممنون!

جلسه شروع شد.

بیاید جلسه را با گزارش
خزانه دارانجمن
شروع کنیم.

طبق محاسبات من، ما
۵۴ دلار پول داریم.

سکه‌ی یک سنتی



سکه‌ی پنج سنتی



سکه‌ی ده سنتی



سکه‌ی بیست و پنج سنتی



۱۰۰ سکه‌ی یک سنتی = ۱ دلار



۲۰ سکه‌ی پنج سنتی = ۱ دلار



۱۰ سکه‌ی ده سنتی = ۱ دلار

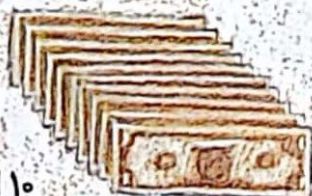


۴ سکه‌ی بیست و پنج سنتی = ۱ دلار



جمع سکه‌ها = ۴ دلار

۱۰ اسکناس یک دلاری = ۱۰ دلار



۲ اسکناس پنج دلاری = ۱۰ دلار



۱ اسکناس ده دلاری = ۱۰ دلار



۱ اسکناس بیست دلاری = ۲۰ دلار



جمع اسکناس‌ها = ۵۰ دلار

۵۴ دلار = ۵۰ دلار + ۴ دلار



بیایید اسباب بازی
بخریم!

بیایید بازی فکری
بخریم!

چطور است
خيارشور بخریم؟



باید حواسمان باشد که
پولمان را هدر ندهیم.



به دنبال کمترین قیمت‌ها
باش؛ چون فروشگاه‌ها
قیمت‌های متفاوتی دارند.

مامانم گفته که باید
موقع خرید حواسم را
جمع کنم.



به دنبال کیفیت خوب باش
چون چیزهای بی‌کیفیت
خیلی زود خراب می‌شوند.



چطور این همه پول
جمع کرده‌اید؟

وقتی تازه انجمن را راه
انداخته بودیم، هر هفته با
پول‌های حق عضویت کلی
آب نبات می‌خریدیم.

این جوری یک عالم
کاغذ آب نبات جمع
شده بود ولی هیچ
پولی برایمان باقی
نمانده بود.

و می‌خواستیم کارهای
دیگری هم انجام بدهیم؛
مثلاً برویم سینما و یک
توپ پشمالو بخریم.



برای همین تصمیم
گرفتیم پولمان را
پس انداز کنیم.

می‌توانیم برویم به فروشگاه هیولاها. آنجا
چیزهای زیادی برای خریدن هست؛ آن قدر زیاد
که به سختی می‌شود چیزی را انتخاب کرد.

امروز قرار است
تصمیم بگیریم با پولمان
چی بخریم.

هنوز هیچی از
پولتان را خرج
نکرده‌اید؟





اسکیت مخصوص
انجمن!

لباس ورزشی
مخصوص انجمن!

لباس مخصوص
انجمن هیولاها!

اگر قرض بگیریم باید بعداً پول
را به صاحبش پس بدهیم. ما
نمی‌خواهیم بدهکار باشیم. پس
بهتر است باز هم پس انداز کنیم تا
بتوانیم پول کافی جمع کنیم.

ما پول کافی برای خریدن همه‌شان نداریم.

قرض می‌کنیم!



بیایید فکر کنیم چه جوری
پولمان را خرج کنیم که به نفع
انجمن باشد!

نظرتان در مورد رنگ کردن خانه‌ی درختی
انجمن چیه؟

چوب برای پله‌های جدید!

یک یخچال!



سارا از جایش بلند شد تا یک سؤال بپرسد.

تا حالا سعی کرده‌اید که پولتان را سرمایه‌گذاری کنید؟

هووووم، سرمایه‌گذاری یعنی چی؟

سرمایه‌گذاری یعنی بتوانی با استفاده از پولت، پول بیشتری به دست آوری.

مثلاً اگر با پولت یک لیوان لیموناد بخری و آن را بخوری، پولت تمام می‌شود.



ولی اگر با پولت لیموناد بخری و با آنها مقدار زیادی لیموناد درست کنی و بفروشی، از پولی که در ابتدا خرج کرده بودی پول بیشتری به دست می‌آوری.

به این پول اضافی سود می‌گویند.



۴۰ لیوان لیموناد × ۵۰۰ سنت = ۲۰۰ دلار درآمد
- ۱۰ دلار هزینه‌ها
= ۱۰ دلار سود



هزینه‌ها = ۱۰ دلار

اوه ما این کار را برای کارواشمان انجام دادیم. یک بار چند تا اسفنج، صابون و براق‌کننده‌ی ماشین خریدیم و تعداد زیادی ماشین شستیم. ۲۰ دلار هم سود کردیم.



اسپاتس دستش را بالا برد.

من فکر دیگری دارم.
بیا یک مقدار از
پولمان را ببخشیم.

چرا باید این کار را بکنیم؟

می توانیم پول را به افرادی
بدهیم که واقعاً به آن نیاز دارند.

اگر برای یک دلیل خوب به
دیگران پول بدهیم، وضعیت
محله مان بهتر می شود و این به
نفع همه ی ماست.



گفتم برای یک دلیل
خوب.

من واقعاً یک کم پول لازم دارم.



اعضای انجمن آن قدر سرو صدا می کردند که
خانه ی درختی از شدت صدای آنها می لرزید.

کافی است، تمامش کنید!

بیایید با پولمان یک مهمانی بزرگ بگیریم.

نه! بهتر است باز هم پس انداز کنیم.

نه! بیایید چند تا لباس بخریم.

چطور است با این پول
برویم گردش؟

چطور است خیارشور بخریم؟

نه! نه! نه!

این گروه به بودجه بندی نیاز دارد.

شاید هم مقداری پنبه که توی گوش هایمان
بچپانیم! حالا این بودجه که گفتی چی هست؟

بودجه بندی یک برنامه است
برای استفاده از پول.



مامان و بابای من هم
بودجه بندی دارند. آنها پولشان
را برای پرداخت هزینه هایشان
تقسیم می کنند.

با این ۵۴ دلار می توانید:

درست است! انجمن هیولاها هم باید
همین کار را بکنند.

۲۵ دلار پس انداز کنید

۲۵ دلار خرج کنید

۴ دلار هم به خیریه کمک کنید

۵۴ دلار



هرکی موافق است بگوید بله!

بله!





بسیار خب! حالا که یاد گرفتیم
چطور پولمان را بودجه بندی کنیم،
بیایید از همین الان شروع کنیم.

شما پولتان را اینجا توی انجمن
نگه می دارید؟

آره! آنجاست. توی ظرف شیرینی.



انجمن بدترین جا
برای نگهداری از پول است!

ممکن است یکی آن را بدزدد!

پولی را که قرار است به زودی
خرج کنید باید توی کیف پول یا
کیف دستی بگذارید!

پولمان را کجا باید نگه داریم؟



یا توی بانک.

پولی را هم که قرار است
پس انداز کنید باید توی فلک
داخل خانه نگه دارید





اگر پولمان را لازم داشتیم چطور باید
از بانک پس بگیریم؟

برای این کار باید یک
برگه‌ی برداشت از
حساب پر کنی و بعد آن
را به کارمند بانک تحویل
بدهی.



یا اینکه می‌توانی از خودپرداز
استفاده کنی.

برای گرفتن پول از خودپرداز
به یک کارت بانکی و رمز
محرمانه احتیاج داری.



روی پول توی بانک،
سود می‌آید.

چه جالب!

بله همین‌طور است!



ولی اگر ۱۰۰ دلار پول توی حساب سپرده‌گذاری
بانکی باشد که ۵ درصد سود علی‌الحساب
می‌دهد، سال بعد ۱۰۵ دلار پول خواهی داشت.

اگر ۱۰۰ دلار پول توی قلمک
توی خانه نگه داری، سال
بعد هنوز ۱۰۰ دلار پول داری.



سود، همان پول اضافه‌ای است
که بانک به خاطر استفاده از
پولتان به شما می‌دهد.

بانک با پول ما چه کار می‌کند؟

بانک این پول را به افرادی می‌دهد
که به آن نیاز دارند؛ مثلاً ممکن
است یک نفر برای راه‌اندازی
کسب‌وکار از بانک پول بگیرد.



اما اعضای انجمن هیولاها یک کار دیگر هم باید انجام می دادند.

دوستانی که با عضویت سارا و گراب در
انجمن هیولاها موافق هستند بگویند بله!

بله!

مامان و بابای من به جای استفاده از
پول نقد، چک می نویسند.

چک نوشتن چطوری است؟

با این کار پول از حساب خارج می شود و به
حساب فرد یا گروهی می رود که اسمشان را
روی چک می نویسی.

موقع خرج پول باید
اطلاعات لازم را روی چک
بنویسی و آن را امضا کنی.

وقتی پولت را به حساب جاری
واریز کنی، بانک یک دسته چک
خالی به جایش می دهد.

انجمن هیولاها

کوچه ی درختی، پلاک ۱
شهر هیولاها

۱ مارس ۱۹۹۲

مبلغ ۲۵ دلار بیست و پنج دلار به فروشگاه لباس پرداخت شود.

امضا: اسپاتس اند استرایپس

بابت هزینه ی لباس های انجمن

و البته کم کم سارا و گراب را هم
بهتر شناخته ایم.

امروز چیزهای زیادی
درباره ی پول یاد گرفته ایم.



فهرست واژه‌ها

اسکناس: پول کاغذی.

بدهی: مقدار پولی که باید به شخص قرض دهنده پس داده شود.

برداشت: بیرون آوردن پول از حساب بانکی.

بودجه‌بندی: برنامه‌ای برای استفاده‌ی درست از پول.

پس انداز: نگه داشتن پول برای استفاده در آینده به جای خرج کردن آن در زمان حال.

پول: سکه‌ها و اسکناس‌هایی که دولت برای مردم درست می‌کند تا با آنها کالاها و خدمات بخرند.

پول توجیبی: پولی که از والدین دریافت می‌کنید، معمولاً هفته‌ای یک بار.

پول نقد: پول کاغذی و سکه.

چک: قطعه کاغذی چاپی که با تکمیل آن به شخص اجازه داده می‌شود تا از حساب جاری در

بانک پول برداشت کند.

حساب جاری: حسابی که یک نفر یا یک گروه در آن پول جمع می‌کنند و با نوشتن چک از آن

پول خرج می‌کنند.

حساب سپرده‌گذاری: حسابی که بانک بابت آن سود علی الحساب می‌دهد.

حق عضویت: پولی که اعضای یک انجمن یا گروه برای بودن در آن گروه پرداخت می‌کنند.

خرج کردن: پرداخت پول در ازای چیزی.

خزانه دار: شخصی که از پول یک گروه مراقبت می‌کند.

درآمد: پولی که معمولاً در ازای کار به دست می‌آید.

سکه: یک قطعه فلز گرد، صاف و کوچک که به عنوان پول از آن استفاده می‌شود.

سرمایه‌گذاری: استفاده از پول برای اینکه بتوان از آن، پول بیشتری به دست آورد.

سود: پولی که بعد از پرداخت مخارج باقی می‌ماند.

سود علی الحساب: پول اضافه‌ای که بانک در ازای استفاده از پول مشتریان خود به آنها می‌پردازد.

قرض دادن: دادن پولی که بعد از مدتی آن را پس می‌گیرید.

قرض گرفتن: گرفتن پولی که بعد از مدتی آن را پس می‌دهید.

قیمت: مقدار پولی که برای خرید کالاها یا خدمات باید پرداخت شود.

مخارج: مقدار هزینه‌ی هر چیزی.



۱۱ دوره
ناشر نمونه
کشور
سال های
۷۴، ۷۲
۷۹، ۷۸
۸۴، ۸۳
۹۱، ۸۸
۹۵ و ۹۴
۱۳۹۶

ناشر برگزیده ۶ دوره

در جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد
(آموزش و پرورش)

در دنیای هیولاهای هم کارهای زیادی می‌توان با پول انجام داد. خرید لباس و آب‌نبات، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و حتی کمک به دیگران. هیولاهای هم اگر حواسشان نباشد، ممکن است پولشان را از دست بدهند. اما در جمع‌های دوستانه همیشه یک نفر هست که پیشنهادهای خوبی داشته باشد. شما هم به پیشنهادهای سارا گوش کنید و مثل هیولاهای راه‌های درست خرج پول را یاد بگیرید.

جایگاه کتاب در استاندارد آموزش سواد مالی

تصمیم‌گیری مالی

مدیریت پول

مدیریت ریسک و بیمه

سرمایه‌گذاری

سپرده‌گذاری
مفهوم سرمایه‌گذاری

کاریابی و درآمد

اعتبار و بدهی

خرج و پس‌انداز

بودجه‌بندی
روش‌های پرداخت
مفهوم پس‌انداز
بخشش
خرید مقایسه‌ای

اکادمی
هوش مالی
نسبت طلایی زندگی

www.fintelligence.ir



کتاب‌های کاغذی
واحد کودک و خردسال
موسسه انتشارات قدیانی
www.ghadyani.org
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۴۴۱۰

ISBN: 978-600-08-0833-4



9 786000 808334

